

## بررسی و تحلیل سلول‌های جنسی (گامت‌ها) در انسان از منظر قرآن

حمیدرضا بصیری\*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مریم گوهری\*\*

کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سید محمد اکرمی\*\*\*

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴)

### چکیده

هدف از نزول قرآن کریم، هدایت، تعالی و تکامل انسان است. بنابراین، تمام آیات قرآن، حَتّی اشارات علمی گذرا در راستای رسیدن به همین هدف است. از جمله مطالب علمی قرآن و روایات، با هدف توجه دادن به نشانه‌های توحید و معاد، اشاره به عوامل دخیل در باروری و تولیدمثل جنسی یا همان سلول‌های جنسی نر و ماده است. در این جستار، که از نوع توصیفی - تحلیلی است و به روش مطالعه کتابخانه‌ای سامان یافته، جوایب نظر قرآن در باب عوامل باروری و پیدایش جنین یا سلول‌های جنسی نر و ماده هستیم. در پی مطالعه و بررسی دسته‌ای از آیات، این نتیجه به دست آمد که لفظ «ماء» به طور مطلق و یا با بیان ویژگی خاص، لفظ «منی» و مشتقات آن و لفظ «سلاله» ناظر بر سلول‌های جنسی (اسپرم و تخمک) بوده، ولی واژه «نطفه»، مطلقاً در برخی آیات ناظر بر سلول‌های جنسی است و در برخی دیگر، بر تخمک لقاح یافته (سلول تخم) دلالت دارد. کاربرد این واژه در قرآن با بیان ویژگی خاص، در مواردی مؤید سلول جنسی نر و در موارد دیگر، بیانگر سلول تخم حاصل از لقاح اسپرم و تخمک می‌باشد. همچنین، از برخی آیات، نکات دقیق علمی مربوط به گامت‌ها قابل استنباط است.

واژگان کلیدی: سلول جنسی، اسپرماتوزوئید، تخمک، قرآن، روایات.

---

\* نویسنده مسئول (E-mail: basiri\_hr@yahoo.com)

\*\* E-mail: mnr1351@yahoo.com

\*\*\* E-mail: akramism@tums.ac.ir

## مقدمه

بررسی رابطه معرفت دینی و تجربی که از آن به عنوان رابطه علم و دین یاد می‌شود، از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان در هر دو حوزه بوده که در سال‌های اخیر به علت رشد فزاینده علوم، به‌ویژه علوم تجربی، حجم گسترده‌ای از تحقیقات را به خود اختصاص داده است و از آنجا که دشمنان دین، خاصه مخالفان اسلام، تمام همت خود را به کار بسته‌اند تا دین را مایه عقب‌ماندگی فکری و رکود علمی معرفی کنند، پژوهش در زمینه مطالب علمی قرآن و احادیث، ضرورت و اهمیت خاصی می‌یابد، ضمن اینکه نمایاندن نکته‌های علمی آیات که در مواقعی به اعجاز علمی منتهی می‌شود، به منظور تقویت ایمان مسلمین و ترغیب غیرمسلمانان به پذیرش اسلام ضروری است.

قرآن کتاب جامعی است که درباره علوم مختلف، دیدگاه‌های خدشه‌ناپذیری دارد. قرآن نه کتاب پزشکی است، نه زیست‌شناسی و نه هیچ علم دیگر و اگر از علمی سخن می‌گوید، با نگاه متخصصین آن علم فرق دارد. توصیه‌های فراوانی که در قرآن پیرامون فراگیری علم شده است، منحصر به معارف خاصی از دین اسلام نیست، بلکه هر علمی را که برای بشر سودمند باشد، در بر می‌گیرد (ر.ک؛ گلشنی، ۱۳۸۷: ۲۵).

امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «خَيْرَ الْعِلْمِ مَا نَفَع» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۴). حال باید دید که معیار علم نافع از دیدگاه اسلام چیست؟ پیامبر اعظم<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيُغَيِّرَ اللَّهُ وَارَادَ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ فَلْيَتَّبِعْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۴). بنابراین، علم سودمند، علمی است که مصلحت هر دو جهان را در بر دارد و وسیله تقرب به درگاه الهی است و موجب جلب خشنودی خداوند می‌شود.

وجود آیات بسیاری که متضمن حقایق علمی هستند، نه قابل انکار است و نه ائتفاقی. قرآن کتاب علمی نیست، ولی در عصر شکوفایی دانش‌های بشری، برای اثبات حقایق و عظمت قرآن، توجه به بُعد علمی آن در راستای هدایت است؛ زیرا تمام مطالب قرآن به منظور تربیت، تعالی و تکامل است، حتی اشارات علمی گذرا و در این راستا، به عوامل

دخیل در باروری (گامت‌ها) با الفاظی غیر از الفاظ متداول علمی اشاره‌هایی شده که هرچند هدف، توجه دادن به نشانه‌های توحید و معاد است، ولی موجب شگفتی همگان، به‌ویژه متخصصان علوم پزشکی شده است. از منظر علم پزشکی، عمل تولیدمثل که برای ادامه نسل جانداران انجام می‌شود و طی آن، افرادی حامل ویژگی‌هایی نظیر خود پدید می‌آورند، به دو دسته جنسی و غیرجنسی تقسیم می‌شود. در تولیدمثل جنسی، دو فرد با دو جنسیت مخالف وجود دارند که هر یک غدد جنسی مخصوص دارند که عمل مهم آن، ساختن سلول‌های جنسی (تخمک یا اسپرم) است (ر.ک؛ سید مظفری، ۱۳۹۱: ۸۱). گامت، همان سلول جنسی است. پیکر آدمی از ۱۰<sup>۱۳</sup> سلول ساخته شده که ۲۰۰ گونه مختلف هستند؛ از جمله سلول‌های عصبی. یک نوع از این سلول‌ها بسیار ویژه است که در زنان اوول (تخمک) و در مردان اسپرم نام دارند و به آن دو، «گامت» نیز می‌گویند. این دو تنها سلول‌هایی هستند که ژن‌های هر نسل را به نسل بعدی منتقل می‌نمایند (ر.ک؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۹۲).

در این نوشتار، در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی خواهیم بود که قرآن کریم با چه الفاظی به عوامل دخیل در باروری اشاره فرموده است؟ سؤالات فرعی نیز عبارتند از:

- در قرآن کریم، مراد از خلقت انسان از آب چیست؟

- لفظ «نطفه» در قرآن چه کاربردهایی دارد؟

- مراد از «سلاله» در قرآن کریم چیست؟

## ۱- روش پژوهش

در این تحقیق که از نوع توصیفی-تحلیلی بوده، با روش مطالعه کتابخانه‌ای سامان یافته است و آیات و برخی روایاتی که متضمن سلول‌های جنسی است، استخراج، بررسی و طبقه‌بندی گردید.

## ۲- پیشینه پژوهش

در منابع تفسیری، به مسئله سلول‌های جنسی ذیل الفاظی نظیر «نطفه» و «سلاله» اشاره شده است، ولی در برخی تفاسیر، همچون تفسیر نمونه و نیز در کتبی که در زمینه اعجاز علمی و آیات علمی قرآن نوشته شده‌اند، اندکی گسترده‌تر به این موضوع پرداخته شده است، ولی اکثر پژوهش‌ها در حوزه جنین‌شناسی و مراحل خلقت جنین سامان یافته است و در زمینه اشارات قرآن کریم به سلول‌های جنسی (گامت‌ها) به پژوهش کامل، مستقل و طبقه‌بندی شده‌ای دست نیافتیم.

## ۳- ماء

قرآن به آفرینش همه موجودات از آب تصریح دارد و اختصاصاً به خلقت انسان از آب نیز تصریح شده است که به دو گونه می‌باشد: ۱- مطلق آب، ۲- آب با ویژگی خاص. برای پی بردن به مراد این قبیل آیات که منظور چه آبی است، آن‌ها را در دو قسم مذکور بررسی خواهیم کرد.

### ۳-۱) مطلق ماء

خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (الأنبياء/۳۰).

بر اساس سیاق، «جعل» در این آیه به معنای خلق و جمله «كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ» مفعول آن است و مراد این است که آب دخالت تامی در هستی موجودات زنده دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۷۹). برخی معتقدند که «مِنْ» در «مِنَ الْمَاءِ» ابتدائیه است؛ یعنی هر چیز صاحب حیات از آب نشأت گرفته است و منشاء آن، آب می‌باشد (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۳۴۴). ظاهر آیه مبین این است که هیچ موجود زنده‌ای بدون آب، حیات نخواهد یافت. برخی معتقدند این اطلاق، تام نیست؛ زیرا فرشتگان زنده‌اند، ولی خلقت آن‌ها از آب نیست و یا پرنده‌هایی که مسیح<sup>(ع)</sup> می‌آفرید، از آب نبودند و یا بنا به

فرموده قرآن که می‌فرماید ﴿وَالْجَنَّ خَلَقْنَا مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ﴾ (الحجر/۲۷)، جن از آتش خلق شده است نه از آب. پس عموم یا اطلاق این آیه نمی‌تواند تام باشد و یا باید به تخصیص و یا تقییدی قایل شد و یا راه حل دیگری باشد. در پاسخ باید گفت که ظاهراً فرشتگان منصرف‌اند؛ زیرا نه در ذهن مخاطبان آن روز مطرح بود و نه در ذهن مخاطبان امروز. فرشتگان از این جریان مستثنی و مجرد هستند. لذا نمی‌توان آب را در حیات آن‌ها دخیل دانست. اما با اینکه بخش وسیعی از ساختار جن را آتش تشکیل می‌دهد، دلیلی نداریم که آب در ساختار آن نقشی ندارد. در جریان آفرینش پرندگان به دست مسیح<sup>(ع)</sup>، سخن از «طین» به میان آمده که خاک آمیخته با آب است. انسان نیز از طین خلق شده است. بنابراین، آب در آفرینش انسان، جن و حیوان دخیل است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: سلسله جلسات تفسیر / سورة انبیاء / جلسه ۲۴). آیه دلالت بر آفرینش همه موجودات زنده، از جمله انسان، از آب دارد و اگر منظور از آب را فقط نطفه و منی بگیریم، شامل نباتات نمی‌شود، در حالی که آیه در برگیرنده مفهوم کلی و عمومی است (ر.ک؛ مشکینی، بی تا: ۲۳).

امام باقر<sup>(ع)</sup> ذیل آیه می‌فرماید: «خَلَقَ الشَّيْءَ الَّذِي جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ مِنْهُ وَهُوَ الْمَاءُ الَّذِي خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْهُ فَجَعَلَ نَسَبَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَى الْمَاءِ وَكَمْ يَجْعَلُ لِلْمَاءِ نَسَبًا» (حرر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۸۰).

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ﴾ (النور / ۴۵).

سید قطب چنین نتیجه می‌گیرد که اولاً عنصر اساسی در ترکیب موجودات زنده، همان آب است و ثانیاً دریا محلّ پیدایش حیات بوده، سپس تنوع انواع و اجناس از آب به وجود آمد (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۵۲۴).

بر اساس آیه، در خلقت هر جنبه‌ای که حیات حیوانی دارد، آب به کار رفته است. از این رو، جایی که آب نیست، حیات حیوانی و انسانی هم نیست. البته این به معنای حصر نیست که این موجودات از خاک نیستند، از هوا نیستند و از عوامل دیگر هم نیستند، بلکه مراد این است که عنصر اصلی آن‌ها، آب است. بنابراین، منظور، نطفه نیست؛ زیرا

جنبندگان اقسامی دارند که به سه قسم آن در همین آیه اشاره شده است و برخی از این اقسام از نطفه متولد نمی‌شوند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: سلسله‌جلسات تفسیر / سوره نور / جلسه ۲۹).

سه احتمال در این دو آیه مطرح است:

- ۱- آب نطفه که بسیاری از مفسران این تفسیر را انتخاب کرده‌اند.
  - ۲- پیدایش نخستین موجود؛ زیرا هم طبق بعضی روایات، اولین موجودی که خدا آفرید، آب بود و انسان‌ها را بعداً از آن آب آفرید و هم طبق فرضیه‌های علمی، نخستین جوانه حیات در دریاها ظاهر شده است.
  - ۳- آب ماده اصلی موجودات زنده را تشکیل می‌دهد و بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. گرچه منافاتی بین این تفاسیر وجود ندارد، ولی تفسیر اول و دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۰۸).
- آیه‌ای دیگر نیز بیانگر خلقت انسان از آب است: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا﴾ (الفرقان/۵۴).

در اینکه منظور از آب در این آیه کدام آب است نیز اقوالی وجود دارد:

- ۱- ممکن است منظور از «بشر»، نخستین انسان یعنی آدم<sup>(ع)</sup> باشد؛ چراکه آفرینش او از طین، یعنی معجونی از آب و خاک بود (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۲۶).
- ۲- منظور از «ماء»، نطفه است و با آمیزش نطفه مرد که شناور در آب است، با نطفه زن، اولین سلول تشکیل می‌شود (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۹۹).
- ۳- بی‌شک بیشترین قسمت وجود انسان را آب تشکیل می‌دهد. البته احتمال دارد همه این معانی در مفهوم آیه جمع باشد؛ یعنی هم بشر نخستین از آب آفریده شده، هم پیدایش تمام افراد از آب نطفه است و هم مهم‌ترین ماده ساختمان بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۲۶).

یادآوری می‌شود که اکثر مفسران «ماء» را در این آیه نطفه یا آب نطفه (منی) در نظر گرفته‌اند.

### بررسی

به نظر می‌رسد که نمی‌توان یک تفسیر را قطعاً پذیرفت و از بقیه چشم‌پوشی کرد؛ زیرا هر یک در جای خود صحیح است و یا حتی جمع آن‌ها در شرح یک آیه قابل قبول است، ولی با توجه به نظرات مطرح، «ماء» در دو آیه اول به احتمال کمتر و در آیه سوم به احتمال بیشتر می‌تواند اشاره به مایع منی باشد که اسپرم در آن شناور است.

### ۲-۳) ماء با ویژگی خاص

قرآن کریم در مواردی آفرینش انسان را از آب با صفتی خاص بیان می‌دارد:

### ۱-۲-۳) ماء مهین

قرآن می‌فرماید: ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ (المرسلات/۲۰).

بنا بر نظر علامه طباطبائی «ماء مهین» به معنای آبی خوار و پست است که نمی‌تواند خود را نگه دارد و مراد از آن، نطفه است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۱۵۳). اکثر مفسران بر اینکه مراد از «ماء مهین» مایع منی است، اتفاق نظر دارند. چنین معنایی با وضوح بیشتری از این آیه برمی‌آید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ (السجده/۸).

کلمه «مهین» به معنی ضعیف، حقیر و ناچیز است و بیانگر بی‌ارزش و بی‌مقدار بودن این آب به لحاظ ظاهری است؛ زیرا از نظر سلول‌های حیاتی شناور در آن و نیز ترکیب مخصوص مایعی که سلول‌ها در آن شناورند، بسیار ظریف، دقیق و پیچیده است (ر.کغ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۲۵). این احتمال وجود دارد که صفت مهین نه از نظر

جنس خود مایع، بلکه وجه بهتر این است که چون از انتهای جهاز ادراری و از طریق مجرای ادرار بیرون می‌ریزد، این گونه تعبیر می‌شود (ر.ک؛ بوکای، ۱۳۵۹: ۲۷۱).

### بررسی

«ماء مَهِين» مبین مایع منی است، نه نطفه و شاید علت اینکه برخی آن را معادل نطفه می‌دانند، آن باشد که حاوی نطفه مرد است. در توجیه ویژگی ضعیف، پست و ناچیز بودن آن می‌توان یک دلیل را مدت زمانی که امکان زنده ماندن اسپرم‌های درون آن وجود دارد، دانست که بسیار کوتاه است.

### ۲-۲-۳) ماء دافق

در سوره طارق می‌خوانیم: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ \* خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ \* يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ (الطارق/۵-۷).

### اقوال مختلف درباره «ماء دافق»

**قول اول:** برخی با توجه به صفت «دافق»، مراد از «ماء» را مایع منی می‌دانند. بنا بر نظر علامه طباطبائی، آبی را که با سرعت و فشار جریان داشته باشد، آب دافق گویند که در اینجا منظور، منی است که با فشار از پشت پدر به رحم مادر منتقل می‌شود و ظاهراً منظور از «بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ»، خروج منی از نقطه محصوره از بدن است که بین استخوان‌های پشت و سینه قرار دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۲۶۰). ظاهر معنای دافق به صیغه فاعل این است که آن آب، جهنده است و این مطابق است با سلول جنسی مرد که بیش از فشارهای قبض و بسطی عضلات، خود جهنده می‌باشد. بنابراین، صلب و ترائب را باید در دستگاه نطفه‌ساز مرد یافت (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۳۰).

**قول دوم:** عده‌ای «ماء دافق» را بر نطفه زن و مرد تطبیق داده‌اند و معتقدند در این آیه با ظرافت خاصی به آمیزش اسپرم و تخمک اشاره شده، ولی از آنجا که نطفه زن جهش ندارد، واژه «دافق» را به معنای «اجتماع و آمیختگی نطفه زن و مرد» دانسته‌اند. از نظر سید



قطب، یعنی «خلق شد از آبی که از صلب مرد و ترائب زن جمع آوری می‌شود» (شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۶: ۳۸۷۹).

**قول سوم:** «ماءِ دافِقٍ» بر هر یک از نطفه‌های زن و مرد دلالت دارد که از بیضه و تخمدان به حالت جهش خارج می‌شوند و «دافِق» به معنای «ریخته شده» نیز می‌باشد؛ زیرا تخمک پس از خروج از تخمدان، مانند مایع منی در رحم می‌ریزد. به نظر می‌رسد صدرالمآلهین چنین دیدگاهی دارد. او در جواب این اشکال که اگر منظور، نطفه زن و نطفه مرد است، چرا در آیه لفظ تثنیه به کار نرفته و نفرموده است: «خُلِقَ مِنْ مَّائَيْنِ دَافِقَيْنِ» متذکر شده که به سبب امتزاج و اتصال آن دو به هم، به صورت آبی واحد در رحم در ابتدای خلقت جنین است» (صدرای شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۳۳۵). آب جهنده گرچه می‌تواند بر منی مرد و تخمک زن تطبیق کند، ولی انصراف عرفی آن به نطفه مرد است (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۲۰: ۳۴۶).

### بررسی

از دیدگاه فیزیولوژیست‌ها، در مرحله مقدماتی انزال، انقباض‌هایی در سیستم تناسلی مرد از جمله کیسه‌های منی و لایه عضلانی غده پروستات رخ داده که منجر به دفع مایع کیسه منی و مایع پروستات می‌شود و اسپرم‌ها را به جلو می‌راند. همزمان با انزال، انقباضات ریتمیک عضلات لگنی و یا حتی بعضی از عضلات تنه موجب بروز حرکات پرتابی رو به جلوی لگن گشته که منجر به پیش راندن منی می‌گردد (Guyton A, 2006, 21002: v3). از سوی دیگر، فیزیولوژیست‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تخمک‌گذاری در زن، یک پدیده انفجاری نیست، بلکه محتویات فولیکول که شامل تخمک محصور نیز می‌باشد که به آرامی بیرون می‌ریزد و فولیکول که حاوی تخمک است، از یک مایع شفاف به نام مایع فولیکولی پر می‌شود (ر.ک؛ کانینگهام، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۶). بر طبق یافته‌های علمی، اولاً مایع منی که حاوی میلیون‌ها اسپرم است، با حالت جهش از بدن خارج می‌شود، ولی خروج تخمک به آرامی صورت می‌گیرد. ثانیاً «ماء دافِق» نمی‌تواند بر مایع فولیکولی منطبق باشد؛ زیرا مقدار مایعی که همراه تخمک بیرون می‌ریزد، بسیار

ناچیز است و حالت جهش ندارد و از بدن خارج نمی‌شود. ثالثاً «ماء دافق» مطابق با خروج ترشحات تناسلی زن نیز نمی‌باشد؛ زیرا خروج این ترشحات بدون جهش است و فاقد تخمک است، برخلاف مایع منی که جهش دارد و حاوی اسپرم است.

با توجه به نکات فوق، به نظر می‌آید که طرفداران نظریه دوم و سوم با پیش فرض مداخله زن و مرد در تکوین نطفه، «ماء دافق» را به هر دو جنس نسبت داده‌اند. بر اساس دیدگاه دوم، «ماء دافق» اشاره به آب مختلط از زوجین دارد، در حالی که ترکیب حاصل از تلقیح دو نطفه، جهش ندارد. در دیدگاه سوم، ضمن در نظر گرفتن انصراف عرفی به نطفه مرد، همان ایراد وارد بر نظر دوم مطرح است؛ زیرا رها شدن تخمک از تخمدان جهشی ندارد، ولی دیدگاه اول هم با یافته‌های علمی و هم با معنای لغوی «دافق» سازگار است. بنابراین، آب جهنده اشاره به مایع منی است که هنگام انزال حالت جهش دارد؛ زیرا در غیر این صورت، احتمال رسیدن اسپرم‌ها به تخمک بسیار کاهش می‌یابد و یا غیرممکن می‌باشد. پس شرکت دادن نطفه زن در این قسمت مناسب نیست و به نظر می‌رسد قرآن به یکی از دو جزء اصلی سلول تخم که نطفه مرد است، اشاره فرموده است، ولی حتی اگر مراد هر دو نطفه باشد، خللی به بحث وارد نمی‌شود؛ زیرا به هر حال آیه به گامت اشاره دارد.

#### ۴- منی

منی و مشتقات آن در سه آیه به کار رفته است:

الف) ﴿أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ﴾ (القیامه/۳۷). این آیه متضمن آن است که مگر فردی که منکر قدرت خدا بر زنده کردن او پس از مرگش و ایجاد او بعد از فنایش است، خود نطفه‌ای در صلب پدرش نبوده است؟! (ر.ک؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۹: ۱۵۸).

ب) ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ (الواقعه/۵۸). «تمنون» از مصدر «امنا» به معنی ریختن نطفه است که منظور از آن در اینجا، ریختن نطفه در رحم است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج

۱۹: ۱۳۲). بنا بر دیدگاه دیگری نیز منظور از «ما تمنون» نطفه‌ای است که مرد در رحم زن رها می‌کند (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۲۱: ۳۳۷).

ج) ﴿مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ (النجم/۴۶). «أَمْنَى الرَّجُلِ» یعنی فلان مرد منی خود را ریخت. بعضی گفته‌اند معنای «تمنی» این است که مقدر شده باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۹: ۴۹). «مَنَى» یعنی سرنوشت و «مَنَى» به معنای چیزی است که هر جاننداری از آن ساخته می‌شود. بنابراین، ﴿أَلَمْ يَكُنْ نُّطْفَةً مِنْ مَنَى يَمْنَى﴾ و ﴿مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ بدین معناست که با عزت و قدرت الهی آنچه که نبود، مقدر شد و به وجود آمد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.، ج ۷۸۰).

«مَنَى» به معنی تقدیر و اندازه‌گیری است و نطفه را «مَنَى» گویند؛ زیرا با قدرت خداوند اندازه‌گیری شده است. ﴿مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾، یعنی از آب اندکی آنگاه که اندازه‌گیری می‌شود. بعضی آن را ریخته شدن می‌دانند که در این صورت، معنی چنین می‌شود: «از منی که در رحم ریخته می‌شود»، ولی معنای اول بهتر است. در ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ به معنی ریختن است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۹۵). خداوند واژه «منی» را به کار برده است؛ زیرا لفظ دلالت بر تقدیر و اندازه‌گیری دارد و مشخص شده است که صفات ارثی مردان از طریق اسپرم منتقل شده است و در حقیقت، تقدیر می‌شود (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۶۰).

#### بررسی

در هر سه آیه، وجود گامت‌ها در مایع منی که لازمه تشکیل جنین است، قابل برداشت می‌باشد، ولی از نظر برخی، «یمنی و تمنی» دال بر «ریختن» است و از نظر عده‌ای دلالت بر تقدیر و اندازه‌گیری دارد. برخی معتقدند چون نطفه نر با قدرت خداوند اندازه‌گیری شده، این لفظ به کار رفته است و برخی می‌گویند چون صفات ارثی پدر از طریق اسپرم انتقال می‌یابد و در حقیقت، تقدیر می‌شود، این واژه به کار رفته است. پس آیات فوق دلالت بر گامت نر دارد.

## ۵- سلاله

این لفظ در دو آیه استعمال شده است:

**الف) ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ﴾ (المؤمنون/۱۲).**

مفسران این آیه را ناظر بر آغاز وجود همه انسان‌ها، اعم از آدم و فرزندان او می‌دانند. علامه طباطبائی بیان می‌کند که مراد از انسان، فرد فرد آدمیان نیست تا بگویند خلقت فرد فرد از گل نبوده، بلکه مراد نوع آدمی است که مبداء پیدایش آن، گل بوده است و همه افراد منتهی به وی می‌شوند؛ یعنی تمام فرزندان فردی که از گل خلق شده، از راه تناسل و توالد از پدر و مادر پدید آمده‌اند و مراد از آن فردی که از گل خلق شده، آدم و حوا<sup>(ع)</sup> است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۲۵۰). آیت‌الله جوادی آملی با ذکر این مطلب که به عصاره شیء و خلاصه از یک چیز، سلاله می‌گویند، «من» اول را ابتدائیه و «من» دوم را بیانیه دانسته است؛ یعنی سلاله از طین است که مقصود حضرت آدم<sup>(ع)</sup> است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: سلسله جلسات تفسیر؛ سوره مؤمنون / جلسه ۶).

**ب) ﴿ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ (السجده/۸).**

«سَلَّ الشَّيْءُ مِنَ الشَّيْءِ»، یعنی کشیدن و بیرون آوردن چیزی از چیز دیگر؛ مثل کشیدن شمشیر از غلاف. «سَلَّ الْوَلَدُ مِنَ الْأَبِ»، یعنی بیرون آمدن فرزند از پدر (نسل)؛ چنان که فرزند را «سلیل» هم می‌گویند. خداوند می‌فرماید: ﴿...مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ﴾؛ یعنی از فشرده و خلاصه‌ای که از زمین گرفته می‌شود. گفته شده واژه «سالله» در آیه اخیر، کنایه از «نطفه» است که تصور خلاصه و عصاره بودن آن از چیزهایی است که نطفه از آن‌ها حاصل می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۸). «سَلَّ الشَّيْءُ مِنَ الشَّيْءِ» یعنی آن چیز را به نرمی از چیز دیگر بیرون کشید. «سالله» به معنای چیز برکشیده از چیز دیگر و نیز به معنای فرزند می‌باشد (ر.ک؛ معلوف، ۱۳۸۶: ۷۵۸).

## اقوال مختلف در مورد «سلاله»

مقصود، نطفهٔ مرد است بدین سبب که از صلب او ریزش می‌کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۱۲). بنا بر نظر دیگر، مقصود، نطفهٔ آدمی است که در حقیقت، عصارهٔ کل وجود او می‌باشد و مبداء حیات و منشاء تولد فرزند و ادامهٔ نسل است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۲۶). آیهٔ ۸ سورهٔ سجده ناظر به این حقیقت است که اولین انسان از طین است و انسان‌های بعدی از «ماء مهین»، و این تعبیر، حاکی از بی‌ارزش بودن این آب است، همان گونه که در سورهٔ قیامت هم فرموده است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: سلسله‌جلسات تفسیر؛ سورهٔ سجده، جلسهٔ ۲).

این آیه اشاره به آفرینش جنین از یک اسپرم دارد. وقتی اسپرم‌ها خود را به دهانهٔ رحم می‌رسانند، پس از رسیدن به داخل رحم، نبرد شگفتی میان آنان برای تصرف تخمک درمی‌گیرد و طولی نمی‌کشد که اولین صفوف اسپرم‌ها به جدار تخمک می‌رسند و هر یک سعی می‌کند اولین اسپرمی باشد که به درون تخمک وارد می‌گردد و بالأخره از میان میلیون‌ها اسپرم، تنها یکی با تخمک می‌آمیزد (ر.ک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۶). تکوین وجود انسان تنها با بخشی از آب منی است. مراد از «ماء مهین» منی است و «من» در «من ماء مهین» برای تبعیض است (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱۴: ۳۷۱). از میان چند صد میلیون اسپرم، فقط تعداد کمی به تخمک رسیده، از میان آن‌ها فقط یک عدد موفق به شکافتن دیوارهٔ تخمک شده، در لقاح شرکت می‌کند. «من» در این آیه، حرف تبعیض است؛ یعنی اندکی از بسیار و لفظ سلاله نیز همین معنا را دارد (ر.ک؛ دیاب و قرقوز، ۱۳۸۸: ۸۱). نسل انسان از چیزی که از این مایع استخراج می‌شود، تداوم می‌یابد و اشاره دارد که فقط یک اسپرم از میان میلیون‌ها اسپرم موفق به نفوذ درون تخمک می‌شود (ر.ک؛ بوکای، ۱۳۵۹: ۲۷۲).

دو احتمال دربارهٔ «سلاله» وجود دارد؛ یکی آنکه خلاصه و جزئی برتر از انسان (اسپرم) باشد و دوم آنکه جزئی نیکو و برتر از کل منی مرد باشد؛ یعنی اسپرمی که موفق به بارور کردن تخمک می‌شود. اگر «من» را تبعیضیه در نظر بگیریم، با معنای سلاله که

جدا شده از چیزی است، یکی می شود و قسمت دوم آیه، یعنی «مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ» تکرار معنای سلاله خواهد بود، ولی اگر «مِنْ» را بیانیه در نظر بگیریم، یعنی جنس این سلاله از آب پست است و تکرار، لازم نیست (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۴۳).

### بررسی

در سوره مؤنون، «سالله» ناظر بر سلول‌های جنسی نیست و به این بحث ارتباطی ندارد، ولی در سوره سجده به تداوم نسل آدم از طریق سلاله‌ای از آب ضعیف اشاره شده است و به نظر می‌رسد با عنایت به اینکه «ماء مهین» همان مایع منی است، سلاله، خلاصه و چکیده‌ای از این آب یعنی اسپرم می‌باشد که می‌توان دلایلی را برای اطلاق این لفظ به گامت نر برشمرد:

- ۱- از میان چند صد میلیون اسپرم، تنها یکی شانس تلاقی با اوول را پیدا می‌کند.
  - ۲- عصاره و چکیده‌ای از کل وجود انسان است.
  - ۳- مایع منی متشکل از اجزایی است، ولی بهترین و ناب‌ترین جزء آن که اسپرم‌ها هستند، در عمل لقاح مؤثر است.
- از نظر علمی، تنها یک اسپرم برای بارور کردن تخمک لازم است، ولی مایع منی باید محتوی تعداد زیادی اسپرم باشد تا یکی از آنها بتواند تخمک را بارور سازد (Guyton 2006, v3:1000). تخمک نیز عصاره کل وجود انسان است و از میان هزاران تخمک، هر ماه یکی آزاد می‌شود. پس سلاله را به تخمک نیز می‌توان اطلاق کرد، ولی با توجه به «مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ» اختصاص آن به اسپرم مناسب است.

### ۶- نطفه

یکی از مراحل خلقت انسان در قرآن، نطفه است که ۱۲ بار در قرآن به کار رفته است. یک مورد آن با «ال» و ۱۱ مورد به صورت نکره که از نظر علامه طباطبائی برای تذکر به حقارت آن است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷: ۳۴۷). از دیدگاه قرشی، نطفه در اکثر

موارد نکره آمده است؛ زیرا به معنای چکیده به خصوصی می‌باشد. یکی از معانی «نطف» چکیدن است که توأم با صاف شدن و کم کم بودن می‌باشد و «نطفه» به معنای آب صاف شده و آب کم است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۷۸). نطفه «آب اندکی است که در مشک یا دلو و امثال این‌ها باقی می‌ماند، آب صاف و زلال چه اندک چه زیاد، آب مرد یا زن» (معلوف، ۱۳۸۶: ۱۹۵۵). از دیدگاه معرفت، نطفه بر سه چیز قابل اطلاق است: نطفهٔ مرد، نطفهٔ زن و تخم مختلط از نطفهٔ مرد و زن (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۲۹ق.، ج ۶: ۸۱). استعمال این لفظ در قرآن بر دو گونه است: ۱- مطلق نطفه و ۲- نطفه با ویژگی خاص.

## ۱-۶) مطلق نطفه

در نُه مورد از کاربردهای قرآنی، قید خاصی همراه با نطفه وجود ندارد و معادل‌های مختلفی برای آن بیان گردیده است و برخی نیز بدون پرداختن به جزئیات و تعیین نوع آن، معادلی برای آن عنوان نکرده‌اند و از خود همین لفظ استفاده کرده‌اند. از نظر علامه طباطبائی، نطفه به معنای آبی است در مرد و زن که مبداء پیدایش فرزند است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۹: ۴۹).

مطابق با نظری دیگر، نطفه در لغت، اعم از نطفهٔ مرد و زن است. پس اگر قرینه‌ای قوی وجود داشت، بر نطفهٔ خاص مرد و یا زن حمل می‌شود؛ مثل «نُطْفَةٌ مِنْ مَنِيٍّ». اما هرگاه قرینه‌ای نبود، آن را بر معنای اعم حمل می‌کنیم که شامل نطفهٔ مرد و زن می‌شود. بنابراین، در آیات ۱۳ و ۱۴ سورهٔ مومنون، دو قید آمده که قابل تطبیق بر تخمک بارور شده است: قرار مکین (رحم)، تبدیل نطفه به علقه. در آیات ۵ سورهٔ حج، ۶۷ سورهٔ غافر، ۳۷ سورهٔ کهف و ۱۱ سورهٔ فاطر نیز با استدلالی مشابه می‌توان به تخمک لقاح یافته رسید و در آیات ۱۹ سورهٔ عبس و ۴ سورهٔ نحل هم می‌توان قرینه‌ای برای اعم بودن پیدا کرد؛ زیرا سخن از خلقت جنس انسان است و بدیهی است که جنس انسان از ترکیب نطفهٔ زن و مرد خلق شده است (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۷۱).

در مواردی که مطلق نطفه به کار رفته است، چهار احتمال وجود دارد: نطفه مرد، نطفه زن، نطفه اعم از نطفه مرد و نطفه زن قبل از ترکیب، نطفه مخلوط. برای رسیدن به نتیجه دقیق‌تر، دسته‌بندی آیات و بررسی دیدگاه‌ها در هر دسته منطقی است. بدین منظور، آیاتی را که بیانگر مطلق نطفه هستند، در سه گروه قرار می‌دهیم.

### ۶-۱-۱) محل قرارگیری نطفه

﴿ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةَ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ (المؤمنون/۱۳).

مراد از «قرار مکین»، رحم است که نطفه در آن قرار می‌گیرد و توصیف رحم به مکین یا از این نظر است که تمکین نگهداری و حفظ نطفه را از هدر رفتن و فاسد شدن دارد و یا از این باب است که نطفه در آن تمکین زیست دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۲۰). این آیه به همراه آیه قبل خود به تداوم نسل آدم از طریق نطفه نر و ماده و قرار گرفتن در رحم توجه می‌دهد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۰۷). اما بنا بر دیدگاه دیگری، مقصود نطفه‌ای است که در اصلا ب پدران بوده، سپس به رحم ریخته می‌شود و با استناد به آیات ۲۰-۲۱ سوره المرسلات ﴿الَّذِينَ نَحَلُّكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ \* فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾، نطفه همان نطفه شناور در منی است (ر.ک؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۸: ۹). در توجیه اینکه چرا در سوره مرسلات «ماء مهین» آمده که اشاره به منی دارد، در حالی که خلقت انسان کامل نمی‌شود مگر اینکه نطفه مرد با تخمک تلاقی کند، گفته شده است که آیه بر اساس آنچه بین مردم مشهور بوده کوتاه شده است؛ زیرا آن‌ها بیش از این نمی‌دانستند (ر.ک؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۹: ۳۹۸).

### ۶-۱-۲) تحول نطفه

جمعی نطفه را در آیات زیر دال بر نطفه مخلوط دانسته‌اند، ولی برخی آن را معادل منی گرفته‌اند.

﴿اَكْفَرْتُ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّأَكَ رَجُلًا﴾ (الکهف/۳۷).



﴿فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ...﴾ (الحج/۵).

﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا...﴾ (المؤمنون/۱۴).

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (فاطر/۱۱).

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾ (غافر/۶۷).

در تفسیر آیه ۱۱ سوره فاطر ذکر شده است که خداوند شما را از خاک آفرید؛ چراکه پدر شما آدم را از خاک به وجود آورد؛ زیرا هر چیزی به اصل خود برمی‌گردد، سپس از نطفه (آب مرد و زن)، سپس شما را مرد و زن قرار داد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۶۳۰). ذیل آیه ۵ سوره حج ذکر شده که اولاد آدم را از نطفه که در رحم مادران قرار می‌گیرد، آفریدیم و آن آب کمی است که قسمتی از آن از پدر و قسمتی از مادر است (ر.ک؛ همان، ج ۷: ۱۱۴). ولی بعضی مفسران مقصود از نطفه در این آیه را «منی» دانسته‌اند که در مرحله بعد به علقه تحول یافته است (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق.، ج ۵: ۳۱۱). عده‌ای نیز مراد از نطفه در آیه ۶۷ سوره غافر را اختلاط نطفه مرد و زن می‌دانند (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۹۶)، ولی برخی آن را بر منی اطلاق کرده‌اند (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۱۶۲).

### ۳-۱-۶) خلقت انسان از نطفه

در این دسته نیز اختلاف نظر به چشم می‌خورد:

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾ (النحل/۴).

﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾ (یس/۷۷).

﴿مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ \* مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ﴾ (العنكبوت/۱۸-۱۹).

از نظر طبرسی، مراحل خلقت انسان در آیه ۷۷ سوره یس به تقدیر گرفته شده است: «آیا آدمی نمی‌داند که او را از نطفه ایجاد کردیم، سپس به علقه و از علقه به مضغه و از مضغه به عظم مبدل کردیم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۶۷۸). برخی نطفه را در آیه ۱۹ سوره

عبس ناظر بر منی می‌دانند (ر.ک؛ رازی، ۱۴۰۸ق.، ج ۲۰: ۱۵۰). در مقابل، عده‌ای مقصود آیه را نطفه مخلوط می‌دانند که خدا از آن در تاریکی‌های رحم، انسان را آفریده است و او را از حالی به حال دیگر می‌گرداند (ر.ک؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۷: ۳۲۸). مفسران معاصر از آیات ۴ سوره نحل و ۷۷ سوره یس، برداشت‌هایی کرده‌اند که درخور توجه است؛ از جمله اینکه «خَصِيمٌ مُّبِينٌ» اشاره به تنازع عجیبی است که میان اسپرم‌ها برای ترکیب با سلول ماده واقع می‌شود (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۹). از نکته‌های ظریف و بدیع جنین است که از موجودی به ظاهر پست و ناچیز، چنین پدیده‌ای والا و با ارزش به وجود می‌آید (ر.ک؛ همان: ۸۳).

در باب آیه ۷۷ سوره یس آمده است که اسپرم‌ها خود را به دهانه رحم می‌رسانند و میلیون‌ها اسپرم در نبردی عجیب شرکت دارند، ولی طولی نمی‌کشد که اولین اسپرم‌ها به جدار تخمک می‌رسند تا یکی به درون تخمک وارد شود (ر.ک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۶). همچنین، گفته شده که آیا انسان نمی‌بیند ما او را از نطفه‌ای خلق کردیم و فوراً (به محض اینکه نطفه گشت)، دشمن آشکار شد و خصومت آغاز نمود که در نتیجه، جانوران زالوماند (اسپرم‌ها) با هم دشمنی و زد و خورد می‌کنند (ر.ک؛ نیازمند، ۱۳۶۳: ۲۸).

#### بررسی

درباره دستة اول، منظور، نطفه مخلوط (سلول تخم) می‌باشد؛ زیرا نطفه‌ای که در آن قرارگاه امن زیست می‌کند، حاصل لقاح تخمک با اسپرم است. دستة دوم اشاره به سیر تطور آفرینش انسان دارد و از چهره‌های گوناگون خلقت که یکی پس از دیگری در رحم ظاهر می‌شود، پرده برمی‌دارد. لذا منظور، نطفه مخلوط است، به‌ویژه در آیاتی که بیانگر تحول نطفه به علقه است (الحج/ ۵ و المؤمنون/ ۱۴)؛ زیرا آنچه قابلیت تحول یافتن به علقه را دارد، نطفه مخلوط است نه گامت و در حقیقت، آیات مذکور مبین سیر دگرگونی سلول تخم است، نه منی. حتی طبرسی که از مفسران متقدم است، به این نکته اذعان داشته است. ولی در باب دستة سوم به صرف اینکه اشاره به خلقت انسان از مطلق

نطفه شده نمی‌توان با قاطعیت مراد از آن را نطفه مخلوط دانست؛ زیرا در آیات دیگری از جمله آیه ۶ سوره طارق، آیه ۴۶ سوره نجم و آیه ۳۷ سوره قیامه، خلقت انسان از یکی از دو جزء تشکیل‌دهنده آن بیان شده که شاید یکی از دلایل آن توجیه ابن‌عاشور ذیل آیه ۲۰ سوره مرسلات باشد که بدان اشاره شد.

اطلاق «خَصِيمٌ مُّبِينٌ» بر تنازع بین اسپرم‌ها، گرچه بیانگر این حقیقت است که مراد از نطفه در دو آیه مذکور، نطفه مرد است، ولی چنین اطلاقی فقط در حدّ یک احتمال تفسیری است. در نهایت، می‌توان گفت سه آیه‌ای که بیانگر خلقت انسان از نطفه هستند، قابل تطبیق بر هر چهار نوع می‌باشند، هرچند که نطفه اعم از نطفه مرد و زن و یا نطفه مخلوط قابل قبول‌تر است.

## ۲-۶) نطفه با ویژگی خاص

در مواردی لفظ نطفه همراه با قید به کار رفته است که عبارتند از: ۱- نطفه‌ای از منی و ۲- نطفه امشاج.

### ۱-۲-۶) نطفه‌ای از منی

در بحث مربوط به «منی»، ذیل آیه ۴۶ سوره نجم و آیه ۳۷ سوره قیامه چنین نتیجه‌گیری شد که نطفه با اسپرماتوزوئید مطابقت دارد.

### ۲-۲-۶) نطفه امشاج

قرآن ویژگی امشاج را برای نطفه قائل شده که به دلیل نبود اتفاق نظر در مراد آیه از «امشاج» و «نبتلیه»، اختلاف نظر در آن چشمگیر است. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (الإنسان/۲).

امام باقر<sup>(ع)</sup> ذیل این آیه فرموده‌اند: «مَاءُ الرَّجُلِ وَمَاءُ الْمَرْأَةِ اخْتَلَطَا جَمِيعًا» (قمی، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۳۹۸).

### اقوال مختلف درباره «نطفه امشاج»

اگر نطفه به صفت «امشاج» معرفی شده، به اعتبار اجزای مختلف آن و یا به اعتبار مخلوط شدن آب نر با آب ماده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۱۲۱). در تفسیر نمونه، پنج معنا برای آن ذکر شده است که عبارتند از:

- ۱- اشاره به اختلاط نطفه مرد و زن که در روایات اهل بیت<sup>(ع)</sup> اجمالاً به آن اشاره شده است. ۲- اشاره به استعدادهای مختلفی که درون نطفه از نظر عامل وراثت وجود دارد. ۳- اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه؛ چراکه از دهها ماده مختلف تشکیل شده است. ۴- اختلاط همه اینها با یکدیگر. ۵- احتمال دارد که امشاج اشاره به تطورات نطفه در دوران جنینی باشد؛ تحولاتی که به جنین از مرحله نطفه تا رسیدن به یک انسان کامل دست می‌دهد، از سوی برخی مطرح است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۳۵).

«امشاج» جمع مشج یا مشیج به معنی شیء مخلوط است و در اینکه نطفه مخلوط چه چیز است، احتمالات گوناگونی داده‌اند که شاید در زمان خود بهترین تفسیر بوده، ولی دقیقاً منطبق بر معنی آیه نیست؛ زیرا اولاً امشاج جمع است و اطلاق آن بر دو چیز (اسپریم و تخمک) خلاف ظاهر است. ثانیاً وجود استعدادهای مختلف در اشخاص جداگانه با معنی «امشاج» سازگار نیست. همچنین، ترکیب نطفه از انواع فلزات و شبه فلزات نیز مناسب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا این امر منحصر به نطفه نیست، ولی نظر بوکای صحیح‌تر است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۷۰). برداشت دیگر، قطرات ناچیز منی است که تعبیر دیگرش نطفه است. این قطرات، ترکیبی از ترشحات پنج غده است که با نسبت دقیق و حساب شده‌ای به هم می‌آمیزند و نطفه را تشکیل می‌دهند و به نظر می‌آید که قرآن از این مخلوط صحبت می‌کند (ر.ک؛ بوکای، ۱۳۵۹: ۲۷۲). علامه طبرسی وجوه مختلفی را برشمرده است: ۱- مخلوط از آب مرد و آب زن، امشاج به معنی اطوار است؛ یعنی حالات مختلف، ابتدا به صورت نطفه، بعد علقه، بعد مضغه و بعد عظام تا اینکه انسان می‌شود. ۲- اختلاف رنگ‌های نطفه، نطفه مخلوط با خون حیض، رگ‌های موین موجود

در نطفه، ۳- طبیعت‌هایی که در انسان وجود دارد؛ از قبیل حرارت و برودت (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۵).

تفاسیر دیگر:

۱- بشر مرگب از نیم سلول نر و نیم سلول ماده است.

۲- نطفه انسان نیمی حیوان و نیمی فرشته است. از این رو، می‌فرماید: «ما انسان را از نطفه مخلوط آفریده‌ایم تا او را مورد آزمایش قرار دهیم».

۳- ما انسان را از نطفه‌ای که مخلوط از مواد وراثتی پدر و مادر است، آفریده‌ایم.

سپس با ترجیح تفسیر اول، ذکر شده که وقتی تخمک با سیل اسپرم برخورد می‌کند و یکی از آن‌ها را در خود فرومی‌برد و کروموزم‌های سلول نر با کروموزم‌های سلول ماده می‌آمیزد، موجود تازه‌ای که همان سلول تخم است، پدید می‌آید که در اصطلاح قرآن «امشاج» نامیده می‌شود (ر.ک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۷).

نطفه امشاج، تخمک لقاح یافته است که کار تقسیم و نمو را برای تشکیل جنین آغاز می‌کند و بدین طریق، پدر و مادر صفات ارثی خود را به طور مشترک به جنین منتقل می‌کنند (ر.ک؛ دیاب و قرقوز، ۱۳۸۸: ۸۰). بنا بر نظر دیگری، نطفه‌ای که انسان از آن ساخته می‌شود، مخلوطی از نطفه‌های زن و مرد است و نطفه زن و مرد برای امشاج و درست کردن انسان به بلایا و دگرگونی‌هایی (نصف شدن کروموزوم‌ها و ...) دچار می‌شوند (ر.ک؛ پاک‌نژاد، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۴۳). منظور از امشاج، اجزای مختلف نطفه و یا اختلاط نطفه مرد و زن و شاید اشاره به اجزایی از قبیل کروموزوم، هسته و امثال آن باشد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۴۷۱). پژوهشگری با ذکر این مطلب که نطفه به معنای قطره و امشاج به معنی قطره مختلط است، مراد از «نطفه امشاج» را قطره‌ای می‌داند که از یکی شدن نطفه زن و نطفه مرد تشکیل شده است و در تأیید نظر خود بیان می‌دارد که نطفه مفرد است و امشاج، صفت نطفه در صیغه جمع، حال آنکه صفت در تعداد، تابع موصوف

است و این نشان می‌دهد که امشاج با وجودی که جمع است، ولی در معنا واحد است (ر.ک؛ الأغر، ۱۴۲۵ق: ۱۳۳-۱۳۵).

### بررسی

بر اساس تعریف لقاح، بطلان برخی از دیدگاه‌ها، از جمله اتحاد نطفه مرد با خون حیض واضح است. منظور از لقاح، ترکیب شدن هسته اسپرم و تخمک هنگام ورود اسپرم به تخمک می‌باشد (Guyton A, 2006, v3:1028). با توجه به اینکه پس از لقاح، هسته سلول‌های جنسی زن و مرد با هم ترکیب شده، کروموزوم‌های آن‌ها که حامل اطلاعات ژنتیکی هستند، کنار هم قرار می‌گیرند، در مجموع، سه دیدگاه صحیح‌تر به نظر می‌رسد که اکثر مفسران و قرآن‌پژوهان نیز در باب آن‌ها متفق‌القول هستند:

۱- اختلاط نطفه زن و مرد (نطفه مخلوط).

۲- اختلاط عوامل وراثتی پدر و مادر.

۳- مخلوطی از اجزای مختلف و تشکیل دهنده نطفه.

جمع این سه برداشت، بلامانع است؛ زیرا «امشاج» به معنای مخلوط‌ها و آمیخته‌هاست که می‌تواند جمع این معانی را در تفسیر آیه نشان دهد.

### ۷- نکته‌های علمی سلول‌های جنسی

در باب عمل لقاح، نکته‌هایی وجود دارد که قرآن کریم به برخی از آن‌ها اشاره فرموده است.

#### ۷-۱) کاهش توانایی تولید سلول‌های جنسی

گرچه مردان در سنین ۹۰-۱۰۰ سالگی نیز می‌توانند صاحب فرزند شوند، اما این میزان با افزایش سن به ۴۵-۴۰، به‌ویژه بالای ۵۰ سال کاهش می‌یابد (ر.ک؛ برک، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۰۳۷). در اکثر زنان، با بالا رفتن سن، کاهش در توانایی لقاح روی می‌دهد که حالتی

فیزیولوژیکی (طبیعی) است، نه پاتولوژیک (بیماری)، به طوری که پس از ۴۵ سالگی به حد بسیار ناچیز می‌رسد (ر.ک؛ همان: ۱۰۴۲).

در اثنای برخی آیات، به محدودیت زمان باروری برای هر دو جنس اشاره گردیده است که به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود: ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (هود/۷۲). با وجود اینکه پس از ۵۰ سالگی، احتمال فرزندآوری زنان ضعیف است، ولی مردان از نظر تولید نطفه، آمادگی پدر شدن را تا سنین بالا دارند، ولی ساره هم به پیر بودن خود استدلال کرد و هم پیری همسرش؛ زیرا در مردان نیز در سنین خیلی بالا این احتمال ضعیف خواهد بود (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۷۳).

﴿قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ \* قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمِ تُبَشِّرُونَ﴾ (الحجر/۵۳-۵۴).

ابراهیم<sup>(ع)</sup> با اطلاع از اینکه از نظر موازین طبیعی، تولد در چنین سنینی بسیار بعید است، از این بشارت متعجب شد.

## ۷-۲) نیاز به یک گامت نر برای باروری

با وجود اینکه تنها یک اسپرم برای بارور شدن تخمک لازم است، به دلایلی مایع منی باید محتوی تعداد زیادی اسپرم باشد تا یکی از آن‌ها بتواند تخمک را بارور سازد، به طوری که هرگاه تعدادشان در هر میلی‌لیتر از مایع منی از ۲۰ میلیون کمتر شود، شخص ممکن است عقیم باشد (Guyton A, 2006, v3:1000).

قرآن می‌فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ (السجده/۸). لفظ «سلاله» در آیه مذکور بیانگر این است که از میان چند صد میلیون اسپرم، فقط تعداد کمی به تخمک می‌رسند و از میان آن‌ها نیز فقط یک عدد موفق به شکافتن دیواره شفاف تخمک می‌شود و در لقاح شرکت می‌کند (ر.ک؛ دیاب و قرقوز، ۱۳۸۸: ۸۱). پیامبر<sup>(ص)</sup> به این نکته اشاره فرموده‌اند: «لَيْسَ مِنْ كُلِّ الْمَاءِ يَكُونُ الْوَلَدُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۲۱).

۱۸۲). روایت بیانگر آن است که گرچه در مایع منی، نطفه فراوان است، ولی برای باروری به همه آنها نیازی نیست.

### نتیجه گیری

با توجه به یافته های پژوهش حاضر، می توان نتیجه گرفت که قرآن کریم با به کارگیری الفاظی غیر از الفاظ متداول محافل علمی، به عوامل دخیل در پیدایش جنین اشاره فرموده است؛ الفاظی که در قرآن کریم ناظر بر سلول های جنسی هستند، عبارتند از: الفاظ «ماء»، «ماء مهین»، «ماء دافق»، «منی» و مشتقات آن و «سلاله». با وجود این، «نطفه» در برخی آیات، ناظر بر سلول های جنسی و در برخی دیگر، دلالت بر سلول تخم دارد. درباره «نطفه امشاج»، تفاسیر متعددی ارائه شده که از مشهورترین آنها، سلول تخم حاصل از لقاح اسپرم و تخمک می باشد. همچنین، از برخی آیات نکات علمی دقیقی مربوط به گامت ها قابل استنباط است، لیکن بارزترین رهیافت این مقاله، اشارات اعجاز گونه قرآن به عوامل دخیل در باروری انسان (گامت ها) می باشد که با الفاظی ساده و درخور فهم به آنها اشاره شده است و بدون تردید می توان گفت که آیات قرآن خطوط کلی علم جنین شناسی را در بیش از ۱۴ قرن پیش از زبان پیامبر اعظم (ص) که فردی امی بود، به تصویر کشیده است!

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد. (۱۴۲۰ق.). *التحریر و التنبیر*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.  
 الأغر، کریم نجیب. (۱۴۲۵ق.). *اعجاز القرآن فی ما تخفیه الأرحام*. بیروت: دارالمعرفة.  
 برک، جانانان. (۱۳۹۱). *بیماری های زنان برک و نواک*. ترجمه بهرام قاضی جهانی. تهران: شرکت گلبن نشر.  
 بوکای، موریس. (۱۳۵۹). *مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم*. ترجمه ذبیح الله دبیر. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
 بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۷). *قرآن و طبیعت*. تهران: زکات علم.



- پاک نژاد، سیدرضا. (۱۳۶۳). *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*. یزد: بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق.). *غرد الحکم و درو الکلم*. قم: دارالکتب الإسلامی.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۸ق.). *الفصول المهمه فی اصول الأئمه*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا<sup>(ع)</sup>.
- حمیری، عبدالله. (۱۴۱۳ق.). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.
- دیاب، عبدالحمید و قرقوز، احمد. (۱۳۸۸). *طب در قرآن*. ترجمه علی چراغی. تهران: حفظی.
- رازی، ابوالفتوح. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق.). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دمشق: دارالعلم - الدار الشامیة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۰). *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*. رشت: کتاب مبین.
- سید مظفری، فریده دخت. (۱۳۹۱). *زیست‌شناسی عمومی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- شاذلی، سید قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۰۹ق.). *منیة المرید*. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- صدرای شیرازی، محمد. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: بیدار.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- فضل الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ق.). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق.). **تفسیر القمی**. قم: دارالکتاب.
- کاشانی، فتح الله. (۱۳۳۶). **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: علمی.
- کانینگهام، گری. (۱۳۷۲). **بارداری و زایمان ویلیامز**. ترجمه ملک منصور اقصی. تهران: اشارت.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۸۷). **قرآن و علوم طبیعت**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). **بحار الانوار**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی، علی. (۱۳۸۹). **شبهه سازی انسان؛ ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی**. قم: دفتر نشر معارف.
- مراغی، احمد. (بی تا). **تفسیر المرائی**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۴۱۹ق.). **من هدی القرآن**. تهران: دار محیی الحسین.
- مشکینی، علی. (بی تا). **تکامل در قرآن**. ترجمه ق. حسین نژاد. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۹ق.). **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۶). **المنجد**. ترجمه محمد بندرریگی. تهران: ایران.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). **تفسیر الکاشف**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). **پیام قرآن**. قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نیازمند، یدالله. (۱۳۶۳). **اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی**. تهران: محمدی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۲). **تفسیر راهنما**. قم: بوستان کتاب.
- Guyton A. & Hall J. (2006). *Medical Physiology*. 11<sup>th</sup> Edit. Philadelphia: Elsevier Saunders.
- بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء: <http://portal.esra.ir/Pages/Index.aspx>